

تمثیل‌های فلسفی

اصالت وجود

مهدی حاجیان

دبیر فلسفه، کارشناس گروه تعلیم و تربیت دینی، دکترای فلسفه تطبیقی

چکیده

برخی مفاهیم مطرح شده در کتاب «آشنایی با فلسفه اسلامی» دوره پیش‌دانشگاهی از ذهن دانش‌آموزان دور بوده و فقط هنر دبیر و معلم است که می‌تواند این موضوعات را روشن‌تر کند و ذهن دانش‌آموز را برای آشنایی با این مفاهیم آماده و ترغیب نماید. حکمای اسلامی از دیرباز در کنار استدلال و برهان، به بیان تشبیه و تمثیل‌هایی اهتمام ورزیده و در تفهیم مفاهیم معقول به مدد امور محسوس تلاش‌هایی داشته‌اند. یکی از مفاهیم معرفی شده در کتاب پیش‌دانشگاهی، بحث «اصالت وجود» است. در مقاله حاضر به تمثیلی در این باره پرداخته شده است.

▲ **کلیدواژه‌ها:** اصالت وجود، تمثیل فلسفی، اعتباری بودن ماهیت

کتاب «آشنایی با فلسفه اسلامی» دوره پیش‌دانشگاهی مفاهیمی را معرفی می‌کند که گاه آنچنان از ذهن دانش‌آموزان، بلکه هر ذهن تازه آشنا با فلسفه دور است که حتی دانشجویان فلسفه نیز مدت‌ها طول می‌کشد تا دلیل طرح این موضوعات و کاربرد آن‌ها را در فلسفه دریابد و فقط هنر دبیر و معلم است که می‌تواند این موضوعات را روشن‌تر کند و با طرح موارد کاربردی و تمثیل‌هایی ذهن دانش‌آموز را برای آشنایی با این مفاهیم آماده و ترغیب نماید. کتاب، البته غالباً به آشنایی بیشتر دانش‌آموز با فلاسفه می‌پردازد و از طرح موضوعات ثقیل پرهیز می‌کند و تنها نام برخی اصطلاحات و گوشه‌ای از اهمیت آن‌ها را بیان می‌کند. اما به هر حال صرف آمدن اصطلاحی فلسفی، ذهن دانش‌آموز مستعد را آن مقدار وسوسه می‌کند که از استاد درباره‌اش سؤال نماید. مشکل آن‌جاست که دبیر نمی‌تواند همه جوانب موضوع را طرح نماید، چرا که پیش‌آمدن هر بحثی بدون بیان مقدمات لازم، موجب سردرگمی بیشتر دانش‌آموز خواهد شد. از طرف دیگر، بی‌پاسخ ماندن سؤالات نیز به مصلحت نیست. پس چه باید کرد؟

یکی از راه‌ها، بیان تمثیلی گویا برای تبیین موضوع است. حکمای اسلامی از دیرباز در باب موضوعات مختلف فلسفی در کنار استدلال و برهان، به بیان تشبیه و تمثیل‌هایی اهتمام ورزیده و در تفهیم مفاهیم معقول به مدد امور محسوس کوشیده‌اند.

انسان معمولاً موضوعات قابل حس و مشاهده‌پذیر را سریع‌تر و بهتر درک می‌کند و لذا به هنگام مواجهه با امور فراحسی و معقول بهترین روش، تشبیه آن‌ها به چنین موضوعات آشنا به ذهن است، به طوری که گاه یک تشبیه مناسب و دقیق در پروراندن مقصود، آموزنده‌تر از ده‌ها صفحه دلیل و برهان است. خصوصاً آن‌گاه که با موضوعی مواجه باشیم که فی‌الواقع بدیهی است و از فرط بداهت نایافتنی.

یکی از مفاهیم معرفی شده در کتاب، بحث «اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت» است که از موضوعات اساسی فلسفه صدرایی است و در درس یازدهم (مبانی حکمت متعالیه) مطرح گردیده و معمولاً امری مبهم تلقی می‌شود. در مقاله حاضر به دو تمثیل که می‌تواند کمک کار این بحث باشد می‌پردازیم، به این امید که در تدریس فلسفه راه‌گشای دبیران محترم باشد.^۱

تمثیل نخست

مسئله اصالت وجود البته بر چند موضوع نظیر مغایرت وجود بر ماهیت و یکی بودن آن‌ها در خارج مبتنی است که دانش‌آموز در درس سوم کتاب (مبانی حکمت مشاء ۱) با آن آشنا شده است. اما مرور آن‌ها قبل از طرح موضوع اصالت وجود مفید است. در این تمثیل ابتدائاً این موضوعات طرح می‌شود. به این منظور و برای شروع بیان بحث اصلی؛ دبیر بر روی تخته شکل مثلث و مربعی را می‌کشد و توضیحات ذیل را بیان می‌کند.



در این تصویر دقت کنید و بگویید در آن چه می‌بینید؟
جواب ساده است. یک مثلث و یک مربع.

حال دوباره به صفحه و شکل بالا نگاه کنید و سعی کنید به همین سؤال پاسخ تازه‌ای دهید؟ چه چیز در تصویر فوق دیده می‌شود؟

درست است. در تصویر بالا، هیچ چیز دیگری غیر از یک مثلث و یک مربع وجود ندارد ولی مقصود یافتن چیزی متفاوت و متمایز از آن‌ها نیست، بلکه می‌خواهم سعی کنید همین دو موضوع را به گونه‌ای تازه تبیین و تفسیر نمایید.

جواب ساده است، گرچه ممکن است دیر به ذهن بیاید که البته به دلیل همین سادگی و روشنی بیش از حد آن است.

می‌توان در مورد تصویر بالا این چنین جواب داد که در آن «دو لگه سیاه» دیده می‌شود (دو تا سیاهی)، البته در تصویر بالا چهار چیز وجود ندارد، که یک مثلث و یک مربع و دو تا لگه سیاه باشند، بلکه فقط دو چیز وجود دارد، یک مثلث و یک مربع که البته سیاه هستند و یا به بیان دیگر، دو تا لگه سیاه که یکی به شکل مثلث و دیگری به شکل مربع است.

پس هر تصویر را می‌توان به دو گونه توصیف کرد. می‌توانیم بگوییم یک سیاهی (یک لگه سیاه) است که مثلث یا مربع شکل است و نیز می‌توانیم بگوییم مثلثی (یا مربعی) سیاه‌رنگ است. به بیان دیگر، دو مفهوم بر هر کدام صادق است. سیاهی و مثلث (یا مربع) بودن که هیچ کدام نیز عین دیگری نیستند.

پس گرچه در هر تصویر بیش از یک شیء وجود ندارد ولی ذهن، همین شیء واحد را به دو گونه متفاوت ملاحظه می‌کند و دو مفهوم متمایز به دست می‌آورد.

حال اجازه دهید به سراغ مطلب اصلی برویم. گفتیم که هر شکل را می‌توان دو جور توضیح داد؛ یکی این که بگوییم مثلثی می‌بینیم که سیاه‌رنگ است و دوم این که بگوییم در تصویر، لگه سیاهی را می‌بینیم که به شکل مثلث است. حال به نظر شما از میان این دو گونه بیان، کدام یک می‌تواند توضیح بهتری قلمداد شود؟ آیا بهتر است مثلث بودن را اصل بدانیم و سیاهی را دنباله آن قرار دهیم یا سیاهی را اصل بدانیم و مثلث بودن را فرع و دنباله آن؟

از آنجا که جواب مطلب فوق نیز بسیار ساده است و از فرط سادگی بسیار سخت، نمی‌توان بیش از این برای آن مقدمه‌چینی کرد. این بار نیز اجازه دهید جواب را خودم بدهم و تنها سعی کنم آن را به خوبی روشن کنم.

به نظر می‌رسد که آنچه از میان این دو تصویر اصلی و اساسی است، لگه سیاهی است. ما فقط سیاهی را می‌بینیم و تنها همین لگه سیاه است که روی صفحه سفید، نقش بسته است. منتهی این لگه سیاه، شکل خاصی دارد. این سیاهی محدود است و شکل هندسی خاصی پیدا کرده که همان مثلث یا مربع بودن آن است. اگر فرضاً این سیاهی تمام صفحه را گرفته بود، دیگر هیچ شکلی نداشت ولی حالا که سیاهی، کل صفحه را نگرفته، محدوده خاصی پیدا کرده و شکل معینی یافته است.

حال می‌گوییم میان ماهیت و وجود نیز مشابه چنین نسبتی جاری است. ماهیت محدوده و حد و مرز یافتن وجود است و به عبارت دیگر، چون وجود محدود است ماهیت پیدا کرده والا وجود نامتناهی و نامحدود (حق تعالی) منزّه از حدود ماهوی است.

همچنین می‌توان لکه‌ای را تصور کرد که شکلش می‌تواند عوض شود مثلاً لگه نفتی شناور در دریا را تصور کنید که با وزش باد تصادفاً شکل مربع پیدا کرد. باد دوباره می‌وزد و این بار تصادفاً شکل دیگری در این لگه سیاه نفتی پیدا می‌شود. شکل‌ها مستمراً عوض می‌شوند اما سیاهی باقی و ثابت است. این نیز می‌تواند تمثیل دیگری برای نشان دادن مقصود از اصالت وجود در برابر اعتباری بودن ماهیت باشد؛ چرا که آن چه اصل است سیاهی است که به تبع آن شکل نیز هست.

پس گرچه اشیا و وجودات خارجی حقیقتاً ماهیت دارند اما همان طور که شکل عبارت از حدود لگه سیاه و فرع آن است، ماهیت نیز فرع وجود و عبارت از تعین و محدودیت آن است.

دبیر محترم باید به دانش‌آموزان تأکید کند که این تنها تمثیلی برای بیان موضوع است و الاً مثلث یا سیاهی از لحاظ فلسفی همگی جزو ماهیات محسوب می‌شوند.

تمثیل دوم

این تمثیل را آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب آموزش فلسفه، مطرح کرده‌اند که بیان آن چنین است:

صفحه کاغذی را به دانش‌آموزان نشان دهید و سپس آن را به اشکال مختلف مثلث و مربع و... پاره‌پاره کنید. با این عمل پاره‌کاغذهایی خواهیم داشت که هر کدام، علاوه بر کاغذ بودن، صفت دیگری به نام مثلث یا مربع یا... خواهند داشت در صورتی که قبل از بریدن کاغذ، چنین صفاتی وجود نداشت. معمولاً تلقی این است که اشکال و صفات خاصی در کاغذ به وجود آمده و چیزهایی واقعی به آن افزوده شده در حالی که به کاغذ موردنظر غیر از بریدگی‌ها که فی‌الواقع چیزی نیست امری به وجود نیامده است.

به بیان دیگر، خطوط که حدود و مرزهای اشکال مختلف را تشکیل می‌دهند چیزی جز منتهی‌الیه و نهایت سطح پاره‌های کاغذ نیستند، ولی ما این حدود و مرزهای عدسی را اموری وجودی و صفاتی عینی تلقی می‌کنیم و اگر کسی بگوید که آن‌ها حقیقتی واقعی نیستند آن را از قبیل انکار بدیهیات تلقی می‌کنیم.

اکنون می‌گوییم که مفهوم ماهوی کاغذ (برای مثال) نسبت به واقعیت عینی، همین حال را دارد، یعنی حکایت از حدود واقعیت خاصی می‌کند (البته حدود مفهومی نه حدود هندسی) حدودی که به منزله قالب‌های تهی برای واقعیات به‌شمار می‌روند و واقعیت عینی محتوای آن‌ها را تشکیل می‌دهند.^۲

ادامه در صفحه ۶۴





برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

♦ نام مجلات درخواستی:

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان: خیابان:

.....

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

.....

پلاک: شماره پستی:

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

پی‌نوشت

۱. برای آشنایی بیشتر مراجعه کنید به مقاله نگارنده با عنوان: پنج تمثیل در تبیین اصالت وجود، نقد و نظر، سال سیزدهم، شماره ۳-۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۸۷.

۲. برای اطلاع بیشتر، رک: محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۰۹ و ۳۱۰.

ادامه از صفحه ۶۱

رابطه ماهیت و وجود در واقع رابطه و پیوندی منحصر به فرد است که نمی‌توان هیچ مورد مشابه دیگری از آن را در سایر اشیا یافت و سختی توضیح اصالت وجود و نوع رابطه هستی و چیستی در همین بی‌بدیل بودن آن نهفته است. از این رو آوردن هر مثالی، در عین، این که می‌تواند به فهم مطلب کمک کند، خطر لغزش و بیراهه رفتن را نیز در پی دارد و لذا توضیح مقصود از مثال و تشبیه نیاز به دقت فراوان است. آنچه در تمثیل‌های فوق دنبال شده تأکید بر چند نکته است:

♦ در خارج بیش از یک حقیقت نیست: روشن است که در خارج، وجود اشیا غیر از خود آن‌ها نیست. در تمثیل، روی تخته فقط یک چیز ترسیم شد گرچه برای بیان آن از سیاهی و مربع مجبوریم سخن بگوییم.

♦ اعتباری بودن ماهیت، به معنای نفی واقعی بودن ماهیت نیست: اعتباری بودن ماهیت به هیچ‌وجه به معنای نفی و طرد ماهیات از حوزه واقعیات و جای دادن آن‌ها در عالم خیال و ساخته‌های ذهنی انسان نیست، بلکه ماهیت به تبع و در جوار وجود، محقق بوده است و نقش خود را ایفا می‌کند. در تمثیل نیز، گرچه شکل را تبعی و دنباله‌روی سیاهی دانستیم اما شکل داشتن سیاهی امری خیالی نبود.

♦ طفیلی بودن ماهیت نسبت به وجود: آنچه مقصود اصلی ملاصدراست آن است که نسبت ماهیت به قبال وجود، همانند بریدگی‌های تکه‌های کاغذ و یا مربع بودن در کنار کاغذ یا لکه‌های رنگی است و لذا همیشه در سایه وجود و به تبع آن است. مهم آن است که بدانیم ماهیت هرگز حکمی مستقل و در مقابل وجود ندارد تا در مباحث فلسفی به اشتباه نرویم.